

تأثیر پیشرفت و توسعه سامانه‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران بر راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ

حسین تاج آبادی^۲

علیرضا زمانیان^۱

ابراهیم متقی^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

چکیده

برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در نقطه کانونی قدرت راهبردی ایران در عرصه مسائل دفاعی - نظامی قرار دارد. از سوی دیگر، در دوران بعد از جنگ جهانی دوم همواره منطقه غرب آسیا جزء مناطق راهبردی مورد نظر امریکا تلقی می‌شود. اسناد راهبرد امنیت ملی و نشانگان رفتاری امریکا از جمله در دوران ترامپ نشان می‌دهد، محور سیاست امنیتی امریکا در غرب آسیا موازنه‌سازی از راه دور، به منظور مهار متخاصم با محوریت ایران است. در همین راستا، هدف پژوهش حاضر، تبیین تأثیرات برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران بر راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ است. سؤال اصلی پژوهش نیز عبارت است از اینکه برنامه موشکی جمهور اسلامی ایران چه تأثیری بر راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا در دوران ترامپ دارد؟ در پاسخ به این سؤال، این فرضیه مطرح می‌شود که اساساً برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران منجر به تضعیف راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا می‌شود. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و منابع گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

کلید واژه‌ها

راهبرد؛ برنامه موشکی (پیشرفت و توسعه سامانه‌های موشکی)؛ ایران؛ امریکا؛ غرب آسیا.

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روابط بین الملل، مجتمع مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران،

Politics1648@gmail.com

ایران

۲. استادیار، گروه روابط بین الملل، مجتمع مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران

Ht171819@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Ebrahim.motaghi@gmail.com

مقدمه

برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در نقطه ثقل قدرت راهبردی ایران در عرصه مسائل نظامی و امنیتی قرار دارد. اهمیت قدرت موشکی ایران در آناتومی امنیت ملی ایران تا بدان جاست که در چارچوب مطالعات راهبردی، اساساً باعث تغییر در موازنه قدرت، در مواجهه با رقبا و دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود از جمله امریکا می‌شود. مجموعه غرب با محوریت و رهبری امریکا، همواره درصدد تحمیل محدودیت و حذف سامانه‌های موشکی در راهبرد دفاعی-امنیتی ایران بوده‌اند؛ تاجایی که «دونالد ترامپ»^۱ رئیس‌جمهور امریکا، به‌طور صریح، یکی از دلایل خروج از توافقنامه هسته‌ای ایران با ۵+۱ را عدم پوشش برنامه موشکی ایران اعلام کرد. از سوی دیگر، در کلیه اسناد راهبرد امنیت ملی امریکا از جنگ جهانی دوم به بعد بر اهمیت منطقه غرب آسیا به‌عنوان منطقه‌ای که باید تحت تسلط و سیطره امریکا باشد، تأکید شده است. «رونالد ریگان»^۲ اهمیت منطقه خاورمیانه و تمام مناطق اوراسیا در سند راهبرد امنیت ملی در سال ۱۹۸۸ را با این عبارات به‌رسمیت می‌شناسد: «نخستین بُعد تاریخی راهبرد ما نسبتاً ساده، صریح و بسیار محسوس است. اساسی‌ترین منافع امنیتی ملی ما به‌خطر می‌افتد، اگر دولت یا دولت‌های دشمن بر مناطق اوراسیا مسلط شوند... منطقه‌ای که اغلب از آن به‌عنوان هارتلند جهانی^۳ یاد می‌شود. ما در دو جنگ جهانی برای جلوگیری از این رخداد حاضر شدیم و از سال ۱۹۴۵، ما در پی جلوگیری از برتری ژئواستراتژیک^۴ اتحاد جماهیر شوروی در اروپای غربی، آسیا و خاورمیانه بوده‌ایم و بدین وسیله، به شکل اساسی موازنه قدرت جهانی ضد منافع خود را تغییر داده‌ایم» (آرشیو استراتژی امنیت ملی^۵، ۱۹۸۸: ۱).

امریکا به‌عنوان تنها هژمون نظام بین‌الملل، راهبرد حفظ وضع موجود را پیگیری می‌کند. بر مبنای این راهبرد نباید در هیچ‌یک از مناطق، یک قدرت تجدیدنظرطلب و متخصص برای اهداف و منافع امریکا برخیزد. از سوی دیگر، راهبرد کلان امنیتی امریکا در دوران پس از جنگ سرد، حفظ وضع

-
1. Donald Trump
 2. Ronald Reagan
 3. World Heartland
 4. Geostrategic
 5. National Security Strategy Archive

موجود در سطح نظام بین‌الملل از طریق به‌کارگیری و اجرای راهبرد موازنه‌سازی از راه دور است. اصلاً و اساساً هدف از اجرای راهبرد مزبور جلوگیری از خیزش هژمون تجدید نظرطلب در کلیه مناطق از جمله در غرب آسیاست. در همین چارچوب، آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، رسماً هدف از اجرای راهبرد فشار حداکثری را در چارچوب سیاست اجبار، مذاکره با ایران می‌داند. بنابر اعلام مقامات کاخ سفید یکی از شروط اصلی آمریکا برای مذاکرات، حذف و تقلیل موشک‌های بالستیک ایران است. در همین چارچوب، هدف پژوهش حاضر تبیین تأثیر برنامه موشکی ایران بر راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ است و سؤال اصلی نیز عبارت است از اینکه، برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ دارد؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که اساساً برنامه موشکی ایران از طریق تغییر در توازن قدرت منجر به تضعیف راهبرد امنیتی آمریکا می‌شود. روش پژوهش نیز، تحلیلی-توصیفی است.

چارچوب نظری

موازنه قدرت

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پایان یافتن ساختار نظام بین‌الملل دوقطبی، منسوخ شدن نظریه موازنه قدرت در سطح بین‌المللی به‌طور جدی مطرح شد. عدم وجود قدرت موازنه‌کننده در مقابل آمریکا، جهت برقراری موازنه با آمریکا، مبنای این بحث بود؛ اما در مقابل، واقع‌گرایان استدلال کردند که این مسئله اساساً موضوعی است که در چارچوب فرایندهای زمانی قابل حل است، و دلیلی بر منسوخ شدن و از بین رفتن نظریه موازنه قدرت نیست. به نظر می‌رسد ادله این دسته از واقع‌گرایان صحیح باشد؛ چراکه در دوران جدید مشاهده می‌کنیم قدرتی نظیر چین، اساساً با دارابودن مؤلفه‌های قدرت هسته‌ای، زمینی «بُعد نظامی»، انسانی و اقتصادی دارای ظرفیت و توان لازم برای برقراری توازن در مقابل امریکا است. مفهوم موازنه‌قوا نیز مانند بسیاری دیگر از مفاهیم علوم انسانی دارای تکثر معنایی است، یعنی علی‌رغم رواج و کاربرد گسترده آن در روابط بین‌الملل تعاریف متعدد و متنوعی از این مفهوم شده است. همین مسئله باعث شده تا تعریفی با حدود و ثغور مشخص حتی در ادبیات نظری واقع‌گرایی از موازنه قوا وجود نداشته باشد.

توازن قدرت، مفهومی است که توضیح می‌دهد دولت‌ها با مسائل امنیت ملی چگونه برخورد می‌کنند و برای حفظ امنیت ملی، چگونه به تشکیل و تغییر اتحادیه‌ها و صف‌بندی‌ها روی می‌آورند (پلینو و آلتون، ۱۳۸۹: ۵). به این ترتیب، در ساده‌ترین الگو می‌توان از این تعریف موازنه قدرت بهره برد که قدرت‌طلبی چند کشور که هریک می‌کوشند وضع موجود را حفظ کنند یا براندازند، لزوماً به تشکیلی به نام موازنه قدرت و سیاست‌های معطوف به آن منتهی می‌شود (مورگنتا، ۱۳۹۳: ۲۸۷). موازنه قدرت، قانون رفتار دولت‌هاست؛ بدین معنای آنان در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و برهم زننده تعادل، به تأسیس ائتلاف متوازن‌کننده مبادرت ورزیده و از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌کنند (دوئرتی و فالتز گراف، ۱۳۹۱: ۶۷).

به نظر می‌رسد، نقطه ثقل مفهوم موازنه قدرت، اشاره به وضعیت «تقسیم برابر و مساوی قدرت» میان واحدهای نظام بین‌الملل یا مجموعه‌ای از واحدها در درون یک منطقه باشد. با این وجود، بعضی از واحدها تلاش می‌کنند تا توازن قدرت را به نفع خود تغییر دهند. نظریه موازنه قدرت بر این اصل استوار است که امنیت بین‌المللی زمانی افزایش می‌یابد که قدرت نظامی به نحوی توزیع شده باشد که هیچ دولتی به اندازه‌ای که توانایی فائق آمدن بر دیگر دولت‌ها را داشته باشد، قدرتمند نباشد؛ این نظریه معتقد است که اگر یک دولت، قدرت فوق‌العاده زیادی داشته باشد از قدرت خود استفاده می‌کند و به کشورهای ضعیف حمله می‌کند (کگلی^۱، ۲۰۰۵: ۵۰۳). بین نظریه‌های روابط بین‌الملل، نظریه‌ای که بتواند در چارچوب آن بهتر و دقیق‌تر ابعاد تأثیرگذاری برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران را بر راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا بیان کرد، نظریه موازنه قدرت است؛ چراکه اساساً برنامه موشکی ایران با برقراری سازوکارهای موازنه‌ای در برابر راهبرد امنیتی آمریکا توانسته است، ضریب امنیت ملی ایران و در نتیجه قدرت ایران را در برابر آمریکا افزایش دهد.

مورگنتا و سایر واقع‌گرایان کلاسیک موازنه قوا را یک راهبرد سیاست خارجی تلقی می‌کنند که کشورها به‌طور آگاهانه و عامدانه اتخاذ می‌کنند. به گونه‌ای که موازنه قوا نتیجه سیاست و رفتار ارادی کشورهای دارای حاکمیت و مستقل است که تلاش می‌کنند تا از تسلط و تفوق یک کشور و اتحاد نظامی واحد بر نظام بین‌الملل جلوگیری کند. مکتب انگلیسی نیز مانند واقع‌گرایی کلاسیک، موازنه

1. Kegley

قوا را به‌منزله سیاست خارجی تلقی می‌کند، اما برخلاف آن، ماهیت غیرمادی و انگاره‌ای برای آن قائل است. همچنین، مکتب انگلیسی نیز نظام بین‌الملل را آنارشیک و فاقد حکومت و اقتدار مرکزی تعریف و تلقی می‌کند؛ اما این بدان معنا نیست که ماهیت هرج‌ومرج‌گونه نظام بین‌الملل لزوماً و ضرورتاً به موازنه قوا منتهی می‌شود. چون بین موازنه قوای ساختاری در سطح نظام بین‌الملل و موازنه قوای ارادی به‌منزله سیاست خارجی کشورها باید تفاوت و تمایز قائل شد. موازنه قوای ساختاری، به‌صورت خودکار، تصادفی و مکانیکی رخ می‌دهد. اما موازنه قوا به‌عنوان راهبرد سیاست خارجی، ارادی است و به‌وسیله هنجارهای مشترک و معیارهای جهان‌شمول کنش محدود و مقید می‌شود. برهم‌خوردن موازنه قوای ارادی و هنجارمند به‌ناچار به یک موازنه ساختاری منجر می‌شود؛ اما همه قدرت‌های بزرگ آگاهی دارند که این نوع موازنه نمی‌تواند پایه و اساس یک نظم بین‌المللی باثبات را فراهم سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۰-۹۹). در همین چارچوب، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب رهیافت رئالیسم کلاسیک یعنی موازنه قوا به‌منزله سیاست خارجی عمل نموده است. تلاش ایران برای افزایش قدرت نظامی خود با محوریت برنامه موشکی، در جهت برقراری توازن برای مواجهه با رقبا و دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود بوده است.

فرایند موشکی شدن جمهوری اسلامی ایران

به‌طورکلی سه مؤلفه را می‌توان به‌عنوان پیشران‌های مهم در انتخاب توسعه قدرت موشکی در نقطه کانونی تفکر راهبردی سیاست‌گذاران دفاعی - امنیتی ایران دانست. شرایط جنگ تحمیلی و تحولات ناشی از آن، قدرت نظامی صدام در دوران پساجنگ و نظم امنیتی شکل‌گرفته در محیط راهبردی ایران در دهه آغازین قرن بیست‌ویکم. اساساً سه مؤلفه مزبور منجر به تحول اساسی در ادراک راهبردی نخبگان ایرانی شد. به‌عنوان‌مثال، درحالی‌که عراق آسیب‌های جدی از جنگ خلیج‌فارس دید، ولی توانست در مدت زمان کوتاهی توانمندی‌های نظامی خود را جبران کند. در سال ۲۰۰۰، تولید ناخالص داخلی عراق ۵۹ میلیارد دلار بود که ۱/۳ میلیارد دلار آن برای اهداف نظامی هزینه می‌شد (کاردزمن^۱، ۲۰۰۱: ۵).

1. Cordesman

تا پایان جنگ ایران و عراق و آغاز جنگ خلیج فارس، عراق تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای داشت. این کشور برای ایجاد نیروی نظامی با حدود یک میلیون سرباز برنامه‌ریزی کرده بود (اوترمن^۱، ۲۰۰۳). کوردزمن معتقد است؛ زرادخانه نظامی عراق دارای ۷ لشکر، ۵۵۰۰ تانک جنگی، ۱۰ هزار وسیله زرهی دیگر، ۳۷۰۰ تسلیحات توپخانه‌ای و ۱۶۰ بالگرد جنگی بود. به‌علاوه، عراق دارای حدود ۶۰۰ هواپیمای جنگی عملیاتی، ۱۸۰۰ موشک سبک و موشک زمین‌به‌هوا، بیش از ۶۰۰۰ تسلیحات ضد‌هوایی و تعدادی تجهیزات دریایی نظیر کشتی‌های سبک ایتالیایی و موشک‌ها ضدکشتی بود (کاردزمن^۲، ۲۰۰۱: ۵). عراق در دسامبر ۱۹۸۹ مدعی شد که موشک‌های العبید و موشک تاموز با برد ۱۲۰۰ مایل را تولید و آزمایش نموده است، هرچند این ادعاها اثبات نشد (نولان، ۱۹۹۱: ۵۶-۵۵؛ هویت^۳، ۲۰۰۷: ۱۴۶). همچنین برنامه‌هایی برای تولید تسلیحات کشتار جمعی از جمله سلاح‌های شیمیایی داشت که از جمله آن‌ها در جنگ علیه ایران استفاده کرد. این درحالی بود که زرادخانه نظامی ایران در آن زمان شامل ۱۰۰ تا ۲۰۰ هواپیمای جنگی، ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ خوروی زرهی، چندین زیردریایی و تعدادی قایق موشک‌انداز بود (آیزنشتات، ۲۰۰۱)^۴. زردخانه نظامی عراق در دوران پسا جنگ و باتوجه‌به سابقه تجاوزگری صدام، اساساً منجر به شکل‌گیری هراس در تفکر راهبردی نخبگان ایرانی شده بود و همین مسئله در قالب پیشران مهمی در حرکت به سمت توسعه قدرت موشکی ایران عمل می‌نمود.

جمهوری اسلامی، در جنگ ایران و عراق اقدامات خود را برای دستیابی به موشک‌های بالستیک (به‌صورت عملیاتی) برای پاسخ به حملات موشکی عراق به شهرهای ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۸ آغاز کرد (موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک^۵، ۲۰۱۷). در این زمان، ایران، ۲۰ موشک اسکاد-بی با برد ۳۰۰ کیلومتر از شوروی و در سال ۱۹۸۵ دو سکوی پرتابگر از لیبی، حداقل ۱۲ موشک از سوریه در سال ۱۹۸۶، ۱۲۰ موشک مهندسی معکوس شده به‌وسیله کره شمالی در سال ۱۹۸۷ و ۱۵۰ تا ۲۰۰ موشک و همچنین ۴ پرتابگر از کره شمالی بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ سفارش داده بود (CSIS, 2019). عراق از روز ۲۷ اکتبر ۱۹۸۲ پرتاب منظم

1. Otterman
2. Nolan-Hoyt
3. Hoyt
4. Eisenstadt
5. International Institute for Strategic Studies

موشک‌های اسکاد-بی^۱ علیه شهرهای ایران را آغاز کرد و به ترتیب ۳ فروند در سال ۱۹۸۲، ۲۳ فروند در سال ۱۹۸۳، ۲۵ فروند در سال ۱۹۸۴، ۸۲ فروند در سال ۱۹۸۵، ۲۵ فروند در سال ۱۹۸۷ و ۱۹۳ فروند موشک در سال ۱۹۸۸ به سوی اهداف ایرانی پرتاب کرد. اغلب این موشک‌ها به جانب شهرهای دزفول، اهواز، خرم‌آباد و بروجرد هدف‌گیری و پرتاب می‌شد. ناتوانی در پاسخگویی مناسب به حملات موشکی عراق و فشار افکار عمومی از یک سو و افزایش تهدیدات منطقه‌ای از سوی دیگر، مقامات ایران را به رفع شکاف نظامی موجود از طریق دستیابی سریع به توان موشکی وادار کرد.

دریافت موشک‌های بالستیک اسکاد - بی و اسکاد - سی^۲ از کره شمالی مبنای ساخت موشک بالستیک سوخت مایع شهاب ۱ و شهاب ۲ قرار گرفت. ایران در این مرحله عمدتاً به دنبال کسب تجربه بود، ضمن اینکه راکت‌های تاکتیکی و موشک‌های کوتاه‌برد برای دفاع در برابر تجاوزات احتمالی کشورهای همسایه طراحی شده بود. آزمایش موفقیت‌آمیز شهاب - ۳ با برد بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر در جولای سال ۱۹۹۸ و جولای سال ۲۰۰۰، توان بازدارندگی برای جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات کشورهای چوچون اسرائیل را ایجاد کرد. بعد از این آزمایش، موشک شهاب - ۳ به عنوان نماد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات منطقه‌ای تبدیل شد و در اوایل ۲۰۰۱ تولید انبوه آن نیز آغاز گشت. ایران در آگوست و اکتبر ۲۰۰۴ نوع جدیدی از شهاب - ۳ تحت عنوان قدر - ۱ را آزمایش کرد (پوراخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۴).

پس از تولید موشک‌های سوخت مایع، جمهوری اسلامی ایران در راستای افزایش کیفیت و دقت موشک‌های خود به سمت تولید موشک‌های سوخت جامد و در مرحله بعد به سمت موشک‌های کروز حرکت کرد. فی‌الواقع فرایند موشکی شدن جمهوری اسلامی ایران دارای ۴ مرحله بوده است. در مرحله اول ایران به دنبال اکتساب فناوری ساخت موشک‌های بالستیک از کشورهای کره شمالی، سوریه و لیبی بوده است. در این مرحله موشک‌ها و راکت‌های ایرانی اصولاً فاقد دقت لازم بوده‌اند. در مرحله دوم ایران به دنبال افزایش ضریب امنیت موشک‌های خود بوده است. ساخت شهرهای موشکی (سیلوهای موشکی) از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در این دوره بوده

1. Scud-B
2. Scud-C

است. در مرحله سوم، ایران به دنبال افزایش کیفیت و دقت موشک‌های خود بوده است، به گونه‌ای که خطای موشک‌های خود را به حداقل برساند. در این مرحله، مهم‌ترین اقدام ایران ساخت موشک‌های بالستیک با سوخت جامد و درعین حال با بردهای بسیار بالاست. عدم نیاز به سوخت‌گیری در چند مرحله از مهم‌ترین ویژگی‌های موشک‌های بالستیک با سوخت جامد است، این ویژگی سبب می‌شود تا آنها زودتر عملیاتی شوند و زمان پاسخگویی به حمله یا به عبارت روشن‌تر ضربه دوم در زمان کمتری رخ دهد. از مهم‌ترین موشک‌های سوخت جامد ایران، می‌توان به موشک بالستیک سجیل با برد ۲۰۰۰ کیلومتر اشاره کرد. در مرحله چهارم، ایران به دنبال نسل جدیدی از موشک‌ها به نام موشک‌های کروز رفت. موشک‌های کروز امتیازات بسیاری نسبت به موشک‌های بالستیک دارد. از جمله مهم‌ترین امتیازات آنها، هزینه پایین در تولید و قابلیت رادارگریزی آنها از سامانه‌های سپر دفاع موشکی است. این موشک‌ها اساساً می‌توانند در صحنه رزم دریایی و برای هدف قرار گرفتن ناوگان دریایی در یک نبرد تمام‌عیار اثراتی تعیین‌کننده باشند. از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین موشک‌های کروز ایران در سال‌های اخیر می‌توان به موشک‌های سومار، یا علی (ع) و هویزه اشاره کرد که در بردهای متنوع تولید شده‌اند.

برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران از نگاه اندیشکده‌ها

در سال‌های اخیر در محافل غربی و به‌طور ویژه آمریکا، گزارشات و نوشته‌های متعددی توسط اندیشکده‌ها، درباره قدرت موشکی ایران به رشته تحریر درآمده است. مؤسسه بروکینگز^۱ در آمریکا، که برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ به‌عنوان اندیشکده برتر در سطح جهان شناخته می‌شود، در مارس ۲۰۱۹، در گزارشی ۷۰ صفحه‌ای تحت عنوان «اعمال محدودیت بر توانایی‌های موشکی ایران»، به بررسی توانایی و قدرت موشکی ایران از ابعاد و زوایای مختلف می‌پردازد. نویسندگان این گزارش معتقدند؛ ایران در حال حاضر توانسته متنوع‌ترین موشک‌ها را به دست بیاورد، ضمن اینکه توانایی‌های موشکی ایران در حال حاضر برای ثبات منطقه‌ای و در جهت دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، امری خطرناک تلقی می‌شود. بنابراین، نویسندگان به دولت ترامپ پیشنهاد می‌دهند، برای محدود کردن توانایی موشکی ایران، از جمله مهم‌ترین ابزارهایی که باید به کار گیرند شامل موارد ذیل می‌شود:

1. Brookings Institution

- توسعه قابلیت‌های تهاجمی نظامی اعم از فعالیت‌ها و عملیات سایبری علیه نیروها و زیرساخت‌های تولید موشک در ایران که این کار باید قبل و یا حین درگیری توسط آمریکا و یا متحدان منطقه‌ای آمریکا علیه ایران صورت بگیرد؛
- تنظیم کردن یک رژیم تجارت چندجانبه؛ درحقیقت آمریکا باید به کشورهای منبع اصلی تجارت و انتقال تجهیزات لازم برای ساخت موشک مانند چین، جهت ممانعت از انتقال تجهیزات موردنیاز برای ساخت موشک فشار بیاورد؛
- ارتقای پدافند غیرعامل در پایگاه‌های هوایی کلیدی، بنادر و امکانات کنترل و فرماندهی و دیگر نقاط حساس از طریق روش‌هایی مانند ارتقای سطوح ایمنی، اختفا و نسخه‌برداری که هنگام حمله موشکی ایران، می‌تواند ضریب آسیب‌پذیری دارایی‌های محافظت‌شده کاهش دهد و این مسئله خود می‌تواند موجب عدم توانایی ایران در دستیابی به اهداف نظامی منطقه‌ای خود شود؛
- اتخاذ تحریم‌ها و اعمال فشار دیپلماتیک به کشورهایی که به برنامه موشکی ایران کمک می‌کنند. تلاش‌های دیپلماتیک می‌تواند توسط آمریکا و متحدان آن و به دو صورت عمومی و خصوصی انجام پذیرد؛
- دفاع موشکی بالستیک و دفاع علیه موشک‌های کروز ایران در صورت حمله زمینی.
- دیپلماسی مستقیم با ایران برای مهار رشد موشکی ایران، لازم به ذکر است در صورت دیپلماسی مستقیم با ایران، باید موارد ذیل در متن مذاکرات موشکی میان ایران و آمریکا در دستورکار قرار بگیرد:
 ۱. ممنوعیت توسعه سامانه‌های موشکی دارای توان و قدرت هسته‌ای؛
 ۲. ممنوعیت تولید، توسعه و هرگونه تلاش در جهت راه اندازی سامانه‌های موشکی یا موشک‌های برد بلند؛
 ۳. محدودکردن پیشرفت‌های کیفی در سامانه‌های موشکی از طریق تولید انواع جدیدی از موشک‌ها با برخی ویژگی‌های معین؛
 ۴. ممنوعیت در تولید موشک‌های بالستیک و یا سامانه‌های موشکی دارای توان هسته‌ای که به‌وسیله موشک‌های بالستیک انجام گیرد؛

۵. محدودکردن وسایل و تجهیزات لازمی که جهت پرتاب ماهواره‌ها به فضا صورت می‌پذیرد؛

۶. هرگونه صادرات موشک توسط ایرانی‌ها به کشورهای دیگر ممنوع بشود؛

۷. محدودسازی توان و قدرت موشکی ایران در سطح منطقه خاورمیانه؛

۸. انعقاد یک موافقتنامه موشکی با ایران (آینه‌پورن و ون دیپن^۱، ۲۰۱۹).

مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی انگلستان^۲، که یکی دیگر از معتبرترین اندیشکده‌ها در حوزه روابط بین‌الملل در انگلستان است. در زمینه برنامه موشکی ایران، به دولت‌های اروپایی پیشنهاد می‌دهد، به دولت ایران کمک شود تا قابلیت‌ها و توانایی‌های نظامی متعارف خود را مانند نیروی هوایی خود را افزایش دهد ولی در مقابل نایبان منطقه‌ای خود را کنترل و محدود کند و به‌موجب یک موافقتنامه جامع کنترل تسلیحاتی برنامه موشکی بالستیک خود را محدود کند.

توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه موشکی

در سال‌های اخیر، پیشرفته‌ترین و آخرین نمونه موشک بالستیک جمهوری اسلامی ایران با سوخت مایع، موشک خرمشهر است. این موشک دارای برد ۲۰۰۰ کیلومتر با سوخت مایع است و توانایی حمل چند کلاهک جنگی به وزن ۱۸۰۰ کیلوگرم از مهم‌ترین مزایای این موشک است. علاوه بر موشک‌های سوخت مایع، جمهوری اسلامی ایران باجدیت برنامه ساخت موشک‌های سوخت جامد را نیز دنبال کرده است. موشک‌های سوخت جامد به سیستم‌های هدایت و کنترل دقیق‌تری نسبت به موشک‌های سوخت مایع نیاز دارند، جمهوری اسلامی ایران، گونه‌های متنوعی از موشک‌های سوخت جامد تولید کرده است، اما در راهبرد توسعه موشکی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر، راهبردی‌ترین موشک بالستیک با سوخت جامد، موشک سجیل نام دارد. این موشک برای نخستین بار در سال ۲۰۰۹ مورد آزمایش قرار گرفت و دارای بردی برابر با ۲۰۰۰ کیلومتر است. به‌دلیل مشخصه‌های راهبردی که موشک‌های کروز دارند، باعث شده است تا جمهوری اسلامی ایران در این زمینه نیز به توسعه توانایی‌های خود بپردازد.

1. Einhorn & Van Diepen
2. International Institute for Strategic Studies (IISS) – (Britain)

مؤسسه مطالعات راهبردی انگلستان در تحلیل پرتاب موشک ماهواره‌بر قاصد به‌عنوان آخرین دستاورد موشکی ایران می‌نویسد: موشک ماهواره‌بر قاصد همانند هم‌تایان غیرنظامی خود از قبیل سفیر و سیم‌غ طراحی شده است. این موشک برای پرتاب ماهواره‌ها بهینه شده است، اما برای پرتاب کلاهک به‌سوی اهداف دوربرد طراحی نشده است. در ادامه، این گزارش معتقد است؛ درحالی‌که هیچ کشوری ماهواره‌بر سوخت مایع خود را به موشک‌های بالستیک تبدیل نکرده است، هند و رژیم صهیونیستی ماهواره‌برهای سوخت جامد خود را به موشک تبدیل کرده‌اند، برنامه فضایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همین کار را در طول ۵ الی ۱۰ سال می‌تواند انجام دهد؛ باید جامعه بین‌المللی برای کاهش احتمال توسعه توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران، جهت دستیابی به موشک‌های قاره‌پیما، تحت پوشش فعالیت‌های پرتاب فضایی، با ایران مذاکره و مصالحه کند (المان، ۲۰۲۰)^۱

جدول ۱. انواع موشک‌های راهبردی ایران

| نام موشک | نوع سوخت | نوع | برد تخمینی |
|------------|----------|---------|------------|
| شهاب ۱ | مایع | بالستیک | ۳۰۰ |
| شهاب ۲ | مایع | بالستیک | ۵۰۰ |
| خرمشهر | مایع | بالستیک | ۲۰۰۰ |
| قدر اف | مایع | بالستیک | ۱۹۵۰ |
| عماد | مایع | بالستیک | ۱۷۰۰ |
| سجیل | جامد | بالستیک | ۲۰۰۰ |
| عاشورا | جامد | بالستیک | ۲۰۰۰ |
| سومار | - | کروز | ۲۰۰۰ |
| یا علی (ع) | - | کروز | ۷۵۰ |
| هویزه | - | کروز | ۱۳۵۰ |
| خلیج فارس | جامد | بالستیک | ۳۰۰ |
| حوت | جامد | اژدر | - |

1. Elleman

| نام موشک | نوع سوخت | نوع | برد تخمینی |
|----------|----------|---------|------------|
| نصر ۱ | - | کروز | - |
| فاتح ۱۱۰ | جامد | بالستیک | ۳۰۰ |
| قیام | مایع | بالستیک | ۷۵۰ |

راهبرد امنیتی ترامپ در غرب آسیا؛ هیبرید احاله مسئولیت و موازنه‌گری مستقیم

محور اصلی راهبرد امریکا در قبال منطقه غرب آسیا در دوران ترامپ، موازنه‌سازی از راه دور است. این راهبرد به‌طور هم‌زمان از ترکیب دو راهبرد احاله مسئولیت و موازنه‌گری مستقیم به‌اجرا گذاشته می‌شود. چنانچه ایران را به‌عنوان دولتی تجدیدنظرطلب در ادراک راهبردی امریکا تصور کنیم، تاکتیک ترامپ به‌طور کلی در غرب آسیا شامل ایجاد اتحاد میان اعراب و رژیم صهیونیستی، ائتلاف‌سازی راهبردی، سپر دفاع موشکی، دیپلماسی اجبارآمیز فعال و تضعیف متحدان ایران با تمرکز بر محور مقاومت به‌منظور متوازن‌سازی با ایران است.

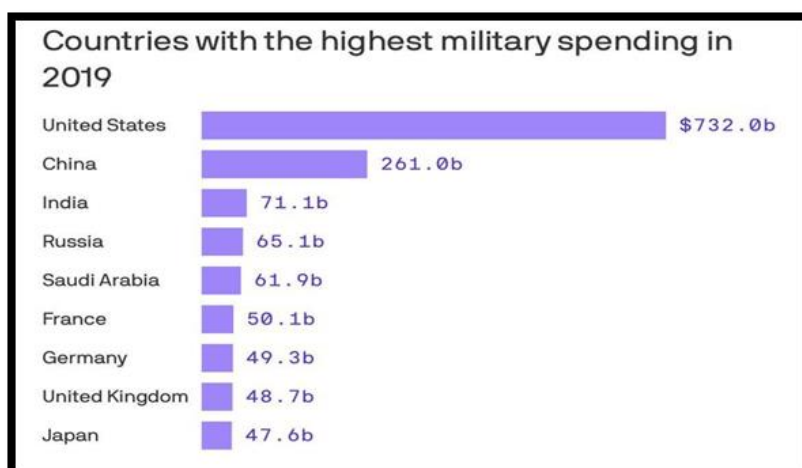
ابراهیم متقی، مدیر گروه مطالعات راهبردی در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه در ایران در مقاله‌ای به نخستین کنفرانس امنیتی تهران در سال ۲۰۱۶ در خصوص راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا می‌نویسد:

«راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا تابعی از سیاست‌های کلان آن کشور در محیط منطقه‌ای و نظام بین‌الملل است. امریکا همواره از سازوکارهای قدرت برای تثبیت موقعیت هژمونیک خود در محیط‌های منطقه‌ای بهره گرفته است. هرگونه نقش‌یابی امریکا در غرب آسیا نیازمند سازماندهی الگوی تعامل با کشورهای محافظه‌کار و رژیم صهیونیستی است. چنین مجموعه‌هایی همواره بخشی از سیاست امنیتی امریکا را تشکیل داده و زمینه‌های لازم برای هژمونی منطقه‌ای را به‌وجود آورده‌اند» (متقی و خسروشاهین، ۱۳۹۵: ۲۵۵). درواقع، چنانچه ملاحظه شد، برای اجرای بهتر راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا، امریکا در ابتدا از راهبرد احاله مسئولیت برای برقراری موازنه‌سازی استفاده می‌کند و سپس برای اجرای راهبرد احاله مسئولیت نیازمند سازماندهی و بهینه‌سازی روابط با متحدان منطقه‌ای خود از جمله رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی است. در ادامه وی درخصوص تحلیل سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۵ اوپاما می‌نویسد؛ «اهداف اصلی سند

امنیت ملی ۲۰۱۵، آمریکا را می‌توان در ارتباط با ارتقای ساختار قدرت در کاربرد قدرت به‌عنوان بازیگر موازنه‌دهنده منطقه‌ای دانست. حمایت از متحدان در غرب آسیا بخشی از واقعیت‌های سند راهبردی آمریکا خواهد بود، متحدان، بخشی از اتصال کنش راهبردی ایالات متحده در خارج از مرزهای جغرافیایی تلقی شده و زمینه‌ساز تضمین امنیت ملی و بین‌المللی در اندیشه راهبردی آمریکا خواهد بود» (همان: ۲۳۶).

درحقیقت، آمریکا رهبری خود بر نظام بین‌المللی را در برقراری توازن بین قدرت‌ها و مهار متخاصم می‌داند. در همین راستا، نیو شینچون^۱، مدیر دپارتمان مطالعات غرب آسیا در مؤسسه روابط بین‌الملل در چین نیز معتقد است: از زمان عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱، راهبرد این کشور در غرب آسیا وارد دوره تحول شده است و می‌توانیم بگوییم تاحدودی به راهبرد موازنه فرامرزی بازگشته است (www.cicir.ac.an). این مسئله در مخارج نظامی آمریکا نیز خود را نشان می‌دهد. در همین راستا، مخارج نظامی آمریکا در دولت دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۲۰۱۰، ۱۵ درصد کاهش یافته است (به نمودار ۱ نگاه کنید). مایکل دوران^۲ رئیس اندیشکده محافظه‌کار هادسون^۳، که ارتباطات نزدیکی به ترامپ دارد، به ترامپ توصیه مؤکد می‌کند که محور سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا باید مقابله با هژمونی ایران باشد و راه رسیدن به این هدف هم، تقویت اتحاد با عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و ترکیه به‌عنوان متحدان سنتی امریکاست. علی‌رغم شخصیت خودمحور ترامپ در سیاست خارجی، مؤسسات هادسون، بنیاد دفاع از دموکراسی^۴ و هریتیج^۵ از تأثیرگذارترین اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی ترامپ هستند.

-
1. New Shinchun
 2. Michael Doran
 3. Hudson Institute
 4. Foundation for Defense of Democracies (FDD)
 5. The Heritage Foundation



نمودار ۱. رتبه‌بندی کشورها با بالاترین مخارج نظامی در سال ۲۰۱۹

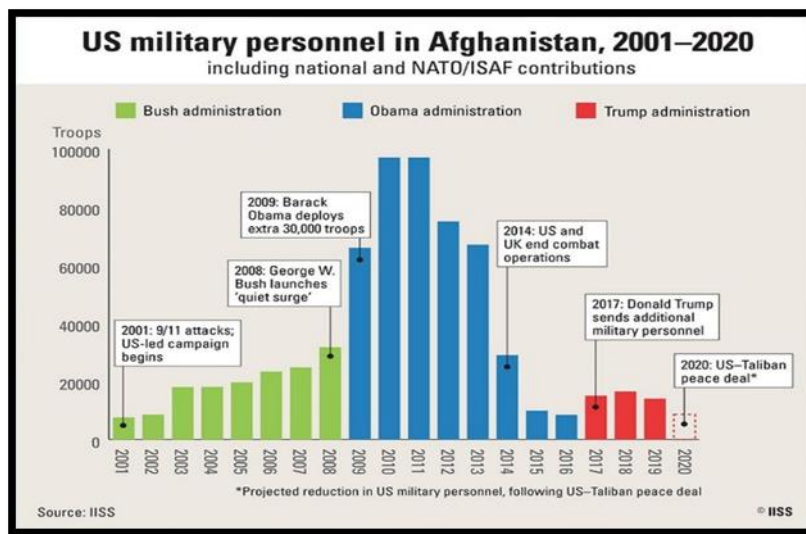
منبع: SIPRI (2020)

در سند راهبرد امنیت ملی ترامپ در سال ۲۰۱۷، نیز تصریح شده است؛ باید از راهبرد ائتلاف، تقویت و تشویق کشورها برای ورود به ائتلاف با امریکا به منظور افزایش نفوذ این کشور استفاده شود. در سطح جهانی امریکا از ابزارهای دولتی، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی در افزایش نفوذ خود بهره می‌گیرد و در سطح منطقه‌ای نیز با حمایت از متحدان و شرکای منطقه‌ای باعث ایجاد توازن قدرت بین قدرت‌های منطقه‌ای، آن‌طورکه مطلوب امریکا خواهد بود، اقدام خواهد کرد.

نکته دیگری که به ما نشان می‌دهد، راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ موازنه‌سازی از راه دور است، کاهش تعداد نیروهای فرامنطقه‌ای امریکا، در سطح نظام بین‌الملل از جمله در منطقه غرب آسیا با مطالعه موردی کشور افغانستان از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ است (به نمودار ۲ نگاه کنید). امریکا در این دوران با وجود تنش‌های امنیتی فراوان و حساس همانند گروه‌های تروریستی در منطقه، سرنگونی هواپیمای بدون‌سرنشین امریکا توسط ایران در سال ۲۰۱۹، حملات موشکی ایران به پایگاه نظامی امریکا در سال ۲۰۲۰ و حملات موشکی علیه میدین نفتی عربستان در سال ۲۰۱۸، نیروهای نظامی خود را در افغانستان افزایش نداد. به‌طورکلی امریکا به‌میزان ۲۰۰ هزار نفر از نیروهای فرامنطقه‌ای خود را در سال ۲۰۱۶ کاهش

داد که در طول شصت سال اخیر این مسئله برای اولین بار رخ داد. این مسئله نشان‌دهنده آن است که آمریکا در مقیاس بزرگی قصد ورود به جنگ در غرب آسیا را ندارد. ترامپ به‌طور کلی معتقد است در خیلی از مناطقی که نباید می‌بودیم باید خارج می‌شدیم. البته اوپاما نیز در اولین مصاحبه خود بعد از انتخاب مجدد، اعلام نمود؛ دوران جنگ‌های خارجی آمریکا به پایان رسیده و دولت آمریکا به‌هیچ‌عنوان جنگ جدیدی را در خاورمیانه آغاز نخواهد کرد.

به‌موجب قانون کنترل بودجه کنگره آمریکا، این کشور باید از سال ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۲۱، به‌صورت اجباری در بودجه این کشور صرفه‌جویی کند. صرفه‌جویی در بودجه توسط دولت باید در بخش‌های امنیتی و غیرامنیتی باشد، دولت آمریکا باید ۴۸۷ میلیارد دلار از هزینه‌های خود تا سال ۲۰۲۱ بکاهد. اصولاً باید به این نکته توجه داشت، زمانی میزان بدهی‌ها برای یک کشور بحران‌ساز خواهد شد که میزان بدهی‌ها نزدیک به تولید ناخالص داخلی یک کشور باشد. از زمان اوپاما ۶۲ درصد از تولید ناخالص داخلی به بدهی‌ها اختصاص داشت و در زمان ترامپ این عدد به ۹۸ درصد رسیده است.



نمودار ۲. حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان در سال‌های ۲۰۲۰ - ۲۰۰۱

راهبرد آمریکا در دوران پساجنگ سرد و آغاز هزاره سوم، مبتنی بر موازنه‌گری مستقیم بود. حملات علیه عراق در دهه ۱۹۹۰ میلادی تحت عناوین طوفان صحرا و روباه صحرا و همین‌طور

جنگ امریکا علیه افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ نمونه بارز آن هستند. ولی باید توجه داشت که اساساً این راهبرد نیز به‌عنوان جزئی از راهبرد موازنه‌سازی از راه دور در نظر گرفته می‌شود. لذا فرقی نمی‌کند در کاخ سفید، باراک اوبامای نئولیبرال بر مسند قدرت باشد یا جورج بوش پسر نئورئالیست یا دونالد ترامپ پوپولیست؛ چرا که اساساً راهبرد و سیاست خارجی امریکا از یک الگوی یکسان تبعیت می‌کند. سند راهبرد امنیت ملی رونالد ریگان بر این نکته صحه می‌گذارد؛ واقعیت این است که اگر در چارچوبی تاریخی به این مسئله بنگریم در طول ادوار مختلف نوعی تطابق و سازواری در سیاست‌های ما وجود دارد (آرشیو استراتژی امنیت ملی، ۱۹۸۸: ۱). از سوی دیگر کاوش در اصول سیاست خارجی ترامپ اساساً می‌تواند راهگشای ما در تعیین محور اصلی راهبرد امریکا در غرب آسیا باشد. با توجه به نشانگان الگوها و روندهای رفتاری امریکا در دوران ترامپ، می‌توان، اعتقاد به امریکاگرایی و نه جهان‌گرایی، ملی‌گرایی در سیاست خارجی، یکجانبه‌گرایی، جکسونیسم و نئوانزواگرایی اشاره کرد که هر کدام از این موارد می‌تواند تأییدی بر راهبرد کلان امریکا در غرب آسیا مبنی بر موازنه‌سازی از راه دور در دوران ترامپ باشد.

ابعاد تأثیرگذاری برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران بر راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ

در این قسمت به تأثیرات برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران بر راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا خواهیم پرداخت. برنامه موشکی ایران از طریق ترکیب دو بُعد نرم و سخت و از طریق سازوکارهای ذیل باعث تضعیف راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا می‌شود؛ آسیب‌پذیری امریکا و متحدان منطقه‌ای آن، افزایش نفوذ راهبردی، تسهیل در اجرای راهبرد نامتقارن در سطح دریا، عمق راهبردی و بازدارندگی راهبردی. در نهایت موارد فوق موجب تضعیف راهبرد کلان امریکا مبنی بر موازنه‌سازی از راه دور می‌شود.

آسیب‌پذیری امریکا و متحدان منطقه‌ای

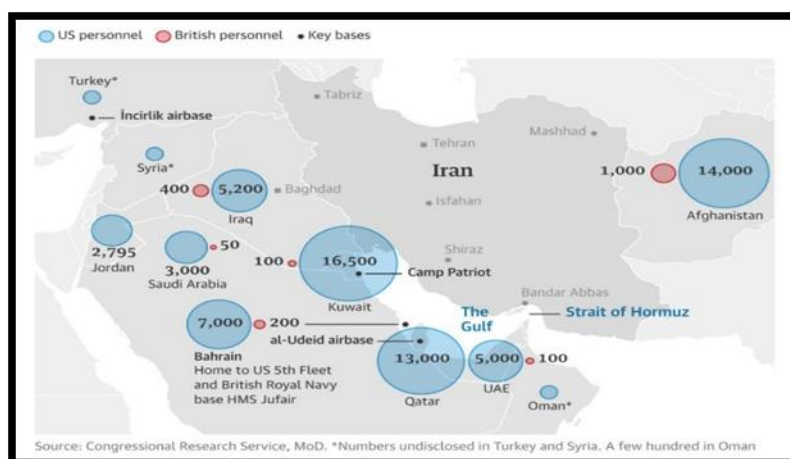
از مهم‌ترین پایگاه‌های امریکا در غرب آسیا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پایگاه هوایی اینجرلیک^۱ ترکیه، پایگاه‌های در شهرهای مختلف افغانستان شامل: کابل، مزارشریف، هرات، قندهار،

1. Incirlic Air Base

شیندد، جلال‌آباد، گردریز و شوراب (هلمند) (توافقنامه همکاری امنیتی و دفاعی آمریکا و افغانستان^۱، ۲۰۱۴: ۳۰). پایگاه هوایی العدید^۲ قطر، بحرین به‌عنوان ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا؛ پایگاه هوایی ثمریت^۳ عمان؛ پایگاه هوایی الظفره^۴ امارات؛ کویت نیز که به ناو هوایمابر غرق‌نشدنی آمریکا موسوم است (www.globalsecurity.org). در واقع، جمهوری اسلامی ایران در حصار دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دارد. این درحالی است که بعد از حملات موشکی ایران علیه پایگاه عین‌الاسد در عراق، امریکایی‌ها گزارش دادند که سه پایگاه دیگر در اقلیم کردستان عراق و در نزدیکی ایران می‌سازند. بنا بر گفته جانشین وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سردار سرتیپ پاسدار قاسم تقی‌زاده در محیط راهبردی ایران حدود ۶۰ هزار امریکایی حضور دارند که در صورت حمله به ایران قطعاً مورد حمله موشکی قرار می‌گیرند^۵. البته علاوه بر نیروهای امریکا، نیروهای انگلیسی نیز در بعضی از این پایگاه‌ها حضور دارند (در این زمینه به شکل شماره ۱. نگاه کنید). آمریکا در عراق، عمان، سوریه، کویت، بحرین، امارات، عربستان، رژیم صهیونیستی، قطر، ترکیه، مصر و اردن پایگاه دارد. اما پیشنهاد می‌شود، در صورت الزام راهبردی امنیتی، از پایگاه دیه‌گو گارسیا در اقیانوس هند غفلت نشود.

-
1. Security and Defense Cooperation Agreement US and Afghanistan
 2. AL-Udeid
 3. Thumrait
 4. ALDhafra

۵. برخی منابع تعداد نظامیان آمریکا در منطقه غرب آسیا را تا ۸۰ هزار نفر نیز تخمین زده‌اند.



شکل ۱. پایگاه‌های نظامی مهم آمریکا در محیط راهبردی ایران

اساساً این پایگاه دارای موقعیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فردی برای امریکاست و از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین پایگاه‌های فرامرزی ارتش آمریکا تلقی می‌شود. زیرا این پایگاه، ارتباط با شرق، غرب و مرکز آسیا و آفریقا را برای آمریکا در اقیانوس هند تسهیل می‌نماید. اگرچه حذافصل، پایگاه مزبور تا خلیج فارس به‌طور تقریبی ۴۰۰۰ کیلومتر است و برد موشک‌های ایران تا ۲۰۰۰ کیلومتر است، ولی ایران می‌تواند با ارتقای برد موشک‌های خود تا ۴۰۰۰ کیلومتر و یا حملات موشکی از سوی شناورهای خود با توجه به سرمایه‌گذاری‌های خود در کشورهای آفریقایی آسیب جدی به این پایگاه وارد کند.

علاوه بر آمریکا، متحدان آمریکا نیز در نوک پیکان حملات موشکی ایران قرار دارند. به‌طور سنتی یکی از اجزای راهبرد امنیتی آمریکا در منطقه، برگزاری رزمایش و مانورهای نظامی در مناطق از جمله در منطقه غرب آسیاست. در سال ۲۰۱۹، بزرگترین رزمایش بین‌المللی دریایی با حضور ۵ هزار نظامی، ۴۰ ناو جنگی و ۱۷ هواپیمای جنگنده توسط آمریکا و متحدانش برگزار شد. متحدان آمریکا در منطقه به‌خوبی دریافته‌اند، در صورت حمله علیه ایران با حملات موشکی قاطع و مستحکم مواجه خواهند شد. فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بعد از عملیات شهید سلیمانی اعلام کرد، در صورتی که امریکایی‌ها بعد از حملات موشکی علیه پایگاه عین‌الاسد پاسخ می‌دادند، ۴۰۰ نقطه را مورد حمله موشکی قرار می‌دادیم. بدیهی است،

در صورتی که امنیت ملی و بقای نظام سیاسی که در صدر اهداف امنیت ملی یک کشور قرار دارد مورد تهدید قرار بگیرد، قطعاً این حملات به وقوع خواهد پیوست.

افزایش نفوذ راهبردی در سیاست بین‌الملل

افزایش نفوذ راهبردی در سیاست و امنیت بین‌الملل، یکی از تأثیرات برنامه موشکی ایران بر راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا بوده است. اساساً همکاری در سطحی کلان و در بُعدی راهبردی با قدرت‌های بزرگ از مهم‌ترین دستاوردها و پیامدهای قدرت پیشرفت و توسعه در سامانه‌های موشکی ایران بوده است. به‌طور کلی تأثیر توانمندی‌های نظامی بر سیاست خارجی یک کشور را باید در جایگاه یک دولت در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. سطح همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با روسیه در سطح همکاری‌های راهبردی است، به‌نظر می‌رسد در آینده‌ای نه‌چندان دور نیز، ایران با چین وارد همکاری‌های راهبردی در عرصه مسائل نظامی و امنیتی خواهد شد. در این دوران برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی، ایران با دو کشور روسیه و چین در سال ۲۰۱۹ رزمایشی مشترک تحت عنوان کمر بند امنیت دریایی برگزار کردند که این مسئله خود می‌تواند پیامی بزرگ برای آمریکا باشد.

این رزمایش در دو بُعد می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد: اول؛ همکاری ایران با قدرت نوظهوری همچون چین و قدرت رقیب سنتی آمریکا، یعنی روسیه و امکان ائتلاف‌سازی و اتحاد آنها با یکدیگر در آینده، مخصوصاً که زمینه‌ها و گرایشاتی در سیاست خارجی ایران مبنی بر راهبرد شرقی به‌چشم می‌خورد و دوم؛ مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تحولات غرب آسیا که همواره مورد مخالفت جدی آمریکا بوده است. سیاست‌گذاری امنیتی راهبردی روسیه به‌عنوان هسته اصلی باقیمانده از اتحاد شوروی موازنه راهبردی با آمریکا در غرب آسیاست. نشانه‌های چنین فرایندی را می‌توان در بحران سوریه مشاهده کرد. برخورداری ایران از قدرت موشکی بالا می‌تواند بهترین گزینه از سوی روسیه برای برقرار موازنه با آمریکا باشد. در واقع می‌توان گفت قدرت موشکی ایران، در وهله اول چنین اعتباری را برای ایران مهیا نموده است و در وهله دوم امکان برقراری موازنه با آمریکا با کمک روسیه.

تسهیل در اجرای راهبرد نامتقارن در سطح دریا

مفهوم نامتقارن اساساً در نبردهای غیربرابر میان یک قدرت بزرگ و یک قدرت کوچک معنا و مفهوم می‌یابد. زمانی که یک قدرت منطقه‌ای توانایی رویارویی با یک قدرت بزرگ را ندارد، برای شکست حریف خود به راهبرد نامتقارن متوسل می‌شود. سیاست جمهوری اسلامی ایران در عرصه دریا برای مقابله با امریکا، سیاست عدم تقارن یا بازدارندگی نامتقارن است. به نظر می‌رسد، دو راهبرد اصلی ایران در اجرای راهبرد نامتقارن، استفاده از مین‌های دریایی و قایق‌های مجهز به موشک باشد. اساساً تولید مین، هزینه‌های بسیار کم‌تری دارد و طبیعتاً برای کشوری همچون ایران که در حصار انواع تحریم‌های تسلیحاتی قرار دارد، بسیار مطلوب به نظر می‌رسد، بر مبنای آخرین برآوردهای امریکا، ایران دارای ۵ هزار مین قابل استفاده در هواپیما، کشتی و زیردریایی است، اما اخیراً امریکا بسیاری از تجهیزات دریایی خود را به فناوری و امکانات مین‌یاب تجهیز کرده است، ضمن اینکه امریکا و انگلستان در می ۲۰۲۰ به صورت مشترک عملیات مین‌روبی در خلیج فارس برگزار کردند. بنابراین این احتمال وجود دارد که در آینده استفاده گسترده از انواع مین‌ها اثرگذاری مطلوب را نداشته باشد. اما تجهیز انواع شناورها و قایق‌های ایران به انواع موشک‌ها طبیعتاً می‌تواند در مقابل حریف بسیار تأثیرگذار باشد، ضمن اینکه بسیاری از این موشک‌ها می‌توانند از ساحل به سمت اهداف دریایی شلیک شوند و موجب آسیب‌پذیری حریف در ابعادی وسیع شوند.

از مهم‌ترین موشک‌های ضدکشتی که توسط ایران ساخته شده است، می‌توان به موشک بالستیک خلیج فارس اشاره کرد. موشک خلیج فارس یک موشک با سوخت جامد و از نظر سرعت مافوق صوت، با برد ۳۰۰ کیلومتر است. فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خرداد ۱۳۹۲ مدعی شد، دقت موشک خلیج فارس به کمتر از ۱۰ متر رسیده است. از دیگر موشک‌های مهم و از نوع کروز که توسط ایران به تولید انبوه رسیده است، می‌توان به موشک‌های نور، کوثر، قادر و ظفر اشاره کرد، لکن به نظر می‌رسد مهم‌ترین موشک کروز و ضدکشتی ایران، موشک رادار گریز و بسیار دقیق نصر-۱ باشد. این موشک قابلیت از بین بردن اهداف ۳۰۰۰ تنی مانند کشتی‌های جنگی را دارد. این موشک می‌تواند هم از شناورهای جنگی و هم از پایگاه‌های ساحلی پرتاب شود. اهمیت موشک نصر-۱ آنجا مشخص می‌شود که در یک نبرد احتمالی میان

ایران و آمریکا می‌تواند تعیین‌کننده باشد و پدافند مؤثر در برابر آن توسط آمریکا امری دشوار و سخت به حساب می‌آید.

باید به این نکته توجه داشت که اهداف راهبرد نفتی آمریکا در منطقه غرب آسیا، شامل؛ تضمین امنیت و ثبات کشورهای تولیدکننده نفت، تضمین امنیت تأسیسات نفتی، تضمین امنیت پایانه‌های صدور نفت در خلیج فارس و حافظت و پاسداری از خطوط دریایی است. بسیاری از این تأسیسات و پایانه‌ها در خلیج فارس قرار دارد، چنانچه آنها مورد حمله موشکی قرار بگیرند حتی در فواصل بسیار طولانی، می‌تواند امری بسیار تعیین‌کننده از لحاظ امنیتی و اقتصادی برای آمریکا باشد.

عمق راهبردی

تأثیر برنامه موشکی ایران بر عمق راهبردی، خود در دو بُعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌طور که گفته شد، یکی از اجزای راهبرد امنیتی در غرب آسیا در دوره ترامپ، تضعیف متحدان ایران با محوریت بازیگران غیردولتی همانند حزب‌الله لبنان، گروه‌های شیعه در عراق، حماس در غزه و بعضی گروه‌ها در افغانستان و سایر کشورها به‌عنوان نائبان ایران است. تجهیز نائبان منطقه‌ای ایران به موشک به‌عنوان یک سلاح راهبردی، طبیعتاً اولین گام برای تضعیف راهبرد آمریکا در غرب آسیاست. در این زمینه به (جدول ۲) نگاه کنید.

کوردزمن معتقد است؛ ایران اگرچه تلاش‌های هسته‌ای خود را متوقف کرده، اما همچنان به ساخت موشک و کلاهک‌های متعارف در حال بهبود و دقیق‌تر شدن و مرگبارتر شدن ادامه می‌دهد. این کشور همچنین در حال ساخت ترکیبی پیشرفته از نیروهای موشکی دریایی و هوایی برای تهدید عبور و مرور دریایی از طریق خلیج فارس است. ایران با استفاده از نیروی قدس سپاه پاسداران و سرویس‌های اطلاعاتی‌اش نیروهای کشورهای دوست و البته برخی بازیگران غیردولتی را آموزش می‌دهد و به آنها کمک می‌کند. بر همین اساس، آنها می‌توانند برای توسعه نفوذ این کشور یا تهدید کشورهای حاشیه خلیج فارس مورد استفاده قرار بگیرند (کاردزمن، ۲۰۱۶: ۵).

بر مبنای آخرین برآوردها حماس و جهاد اسلامی در غزه و حزب‌الله در لبنان مجهز به ۲۵۰ هزار موشک و راکت هستند. نکته دیگر اینکه در سال‌های اخیر ایران با توجه به تجارب خود در سوریه و عراق روشی نوینی را در جنگ به نام عملیات هیبریدی به‌اجرا درآورده است. در عملیات هیبریدی، نیروهای ویژه با تسلیحات سنگین و نیروهای شبه‌نظامی همراه با تسلیحات سبک و

نیمه‌سبک در وضعیت رزمی قرار می‌گیرند که نوع جدیدی از عملیات‌های نامتقارن است، پشتیبانی رزمی این نیروها توسط موشک‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. ضمن اینکه، موشک‌ها در صورت لزوم باتوجه‌به میزان برد آنها می‌توانند در نقش عمق راهبردی عمل کنند. درمورد ایران نیز به همین صورت است. حملات موشکی سپاه علیه مقرر حزب دموکرات کردستان در سال ۲۰۱۸ و مقرر فرماندهی و مراکز تجمع تروریست‌ها در سال ۲۰۱۷ در سوریه موسوم به عملیات لیل‌القدر نمونه‌هایی از این مسئله است.

جدول ۲. عمق راهبردی ایران

| اسامی | وضعیت | مأموریت |
|--------------|--|--|
| ایران | میزبانی از بلوک و نگهدارندگی از قدرت بزرگ و عادی اتحاد، معماری دفاعی و موشکی‌اش نیاز به بازدارندگی وسیع منطقه‌ای را ضروری می‌سازد. | نقش اولیه‌اش آموزش، تجهیز، مشاوره و توانمندسازی شرکایش است. |
| حزب الله | نیروی دفاعی پیشران ایران، در خط مقدم نبرد با رژیم صهیونیستی، همراهی با حکومت سوریه، پایگاه قدرت در شرق و غرب مدیترانه را پیش می‌برد. | نقش شبه‌نظامی و مشاور برای ایران را بازی می‌کند؛ درحالی‌که یکی از عناصر اصلی نبرد علیه رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. |
| الحشد الشعبی | عمق راهبردی و نفوذ بالقوه به شرق را برای ایران فراهم کرده است. | هدایت عملیات نیروهای اعزامی و اعمال فشار بر نیروهای امریکایی را برعهده دارد. |
| حوثی‌ها | جناح پیشران برای ستیز با عربستان و دشمنانش از طریق خطوط ارتباطات دریایی. | اعمال فشار بر عربستان سعودی، تحرک و جابه‌جایی در نبرد با عربستان و برهم‌زدن تمرکز آنها و درصورت‌نیاز فعالیت نیروی دریایی امریکا. |

بازدارندگی راهبردی

بازدارندگی مفهومی متکی بر محاسبه عقلایی سود و زیان است که عمدتاً در چهارچوب موازنه قوا عمل می‌کند، یا حتی نوعی موازنه قوا را به‌وجود می‌آورد؛ هرچند ممکن است تقارن نیرویی وجود نداشته باشد و یک طرف حتی قدرتمندتر باشد. بازدارندگی تعاریف بسیاری دارد اما شاید، با جمع‌بندی همه این تعاریف بتوان این را کامل‌ترین تعریف دانست: «ایجاد این تصور از سوی کشور

الف در کشور ب که اگر دست به اقدام خاصی بزند، مجبور به پرداخت هزینه‌ای است که این هزینه در مقایسه با فواید آن برایش تحمل‌ناپذیر است و این تصور مانع از اقدام کشور ب شود» (امینیان، ۱۳۹۷: ۱۵۱).

اساساً بازدارندگی خود باعث به وجود آمدن توازن بین قدرت‌ها نیز می‌شود. برنامه موشکی ایران، در مقابل آمریکا برای ایران بازدارندگی راهبردی به وجود آمده است. حتی چنانچه، آمریکا خود بخواهد با در نظر گرفتن راهبرد موازنه از راه دور و استفاده از متحدان منطقه‌ای خود عملیات مستقیم نظامی علیه ایران انجام دهد، برنامه موشکی ایران مانع از این اقدام شده است. ایران با توجه به اینکه در حال حاضر قوی‌ترین نیروی موشکی در غرب آسیا را دارد، در صورت خطای محاسباتی و تحلیلی از سوی رقیبان خود می‌تواند در مدت کوتاهی، خسارات گسترده‌ای را به طرف مقابل وارد کند، اما باید توجه داشت که این اولین اثر بازدارندگی است، اما دومین اثر راهبردی بازدارندگی، حفظ موازنه قدرت از سوی ایران با قدرت‌های رقیب در سطح منطقه به عنوان متحدان امریکاست. این فرایند در نهایت منجر به شکل‌گیری نظم امنیتی مطلوب منطقه‌ای مورد نظر ایران خواهد شد. علت مخالفت آمریکا با برنامه موشکی ایران، اساساً بدان جهت است که این مؤلفه قدرت، مانع از شکل‌گیری موازنه قوا و نظم مطلوب مورد نظر آمریکا در سطح منطقه غرب آسیا خواهد شد. ضمن اینکه چنانچه الزامات امنیت ملی ایران تحت شرایط خاصی در آینده اقتضا نماید، ایران با افزایش برد موشک‌های خود به گونه‌ای که اروپا و آمریکا به طور کامل تحت پوشش قرار دهد، عملاً می‌تواند بازدارندگی فراسرزمینی و تهاجمی را نیز ایجاد بنماید. باید توجه داشت، از آنجاکه راهبرد دفاعی - امنیتی ایران مبتنی بر بازدارندگی متعارف غیرمتمارن و تأکید بر راهبرد ضربه دوم است، عملاً برنامه موشکی ایران نقطه ثقل توانایی‌های ایران در اجرای راهبرد ضربه دوم را تشکیل می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بر اساس یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر، برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران باعث تضعیف راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا در ادوار مختلف از جمله در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ می‌شود. این مسئله بدان معناست که برنامه موشکی جمهوری اسلامی، عاملی در جهت

موازنه‌سازی در برابر امریکا محسوب می‌شود. برنامه موشکی ایران از طریق ترکیب دو بُعد نرم و سخت و از طریق سازوکارهای ذیل باعث تضعیف راهبرد امنیتی امریکا در غرب آسیا می‌شود؛ آسیب‌پذیری امریکا و متحدان منطقه‌ای آن، افزایش نفوذ راهبردی، تسهیل در اجرای راهبرد نامتقارن در سطح دریا، عمق راهبردی و بازدارندگی راهبردی، در نهایت موجب تضعیف راهبرد کلان امریکا مبنی بر موازنه‌سازی از راه دور می‌شود.

نکته دیگری که باید به‌طور جدّ مورد توجه سیاست‌گذاران دفاعی و امنیتی قرار بگیرد، توجه به کیفیت و ارتقا در تولید انواع موشک‌هاست. در سند دفاع موشکی ۲۰۱۹ امریکا، به‌صراحت برای نخستین بار از توسعه مطالعات برای انهدام موشک‌ها از طریق لیزر در فضا بحث شده است، این مسئله زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۹ رسماً دستور تشکیل نیروی فضایی ایالات متحده را صادر کرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قدرت‌های بزرگ، برخورداری و بهره‌مندی از قدرت فناورانه است. درحقیقت عامل فناوری، همواره در طول تاریخ روابط بین‌الملل، باعث به‌وجود آمدن تحولات عظیمی در روابط بین‌الملل شده است. به بیان ساده می‌توان گفت، توسعه مطالعات و تحقیقات در این حوزه بخشی از راهبرد جبرانی سوم^۱ ایالات متحده امریکا است. باید توجه داشت که اساساً در هر سه دوره راهبرد جبرانی، عامل فناوری نقشی بسیار تعیین‌کننده داشته است.^۲

درحقیقت شروع جنگ، مستلزم تطابق دو محور مهم تلقی می‌شود. تصمیم سیاسی و محاسبات راهبردی نظامی. چنانچه محاسبات راهبردی نظامی توانایی برآورده کردن تأمین اهداف سیاسی را داشته باشد، جنگ شروع خواهد شد. عملیات امریکا در ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ در عراق اصلاً و اساساً یک عملیات فناوری محور بود. نقطه ثقل این عملیات، عملی کردن طرح‌های عملیاتی جدید مبتنی بر برتری هوایی و برتری اطلاعاتی موسوم به طرح واردن^۳ بود. عمدتاً از برتری نظامی امریکا در این جنگ‌ها «۱۹۹۱-۲۰۰۳»، تحت عنوان دکترین شوک و بُهت نام می‌برند. نتیجه آن شد که ارتباط

1. Offset Strategy

۲. در سال ۲۰۱۶، مسئول بخش تحقیق و مهندسی وزارت دفاع امریکا در مجلس سنا بیان می‌کند، قدرت‌نمایی نظامی روسیه در سوریه، مَهر پایانی بر راهبرد جبرانی دوم بوده است، بنابراین باید این انتظار را داشت که امریکا در تدارک راهبرد جبرانی سوم باشد.

3. Warden

پایگاه‌های نظامی عراق در نقاط مرزی و نقاط مرکزی به‌طور کامل قطع شد. پایگاه‌های مرکزی تصور می‌کردند پایگاه‌های مرزی نابود شده‌اند و بالعکس. از سوی دیگر مهم‌ترین وجه پویایی راهبرد دفاعی ایران در مقابل آمریکا و سایر قدرت‌های متخاصم، برخورداری از قدرت موشکی بوده است، چنانچه آمریکا در آینده به توانایی برسد که بتواند موشک‌ها را به‌طور قطعی در مرحله اول هنگام شلیک، شناسایی و رهگیری و سپس منهدم کند، در آن زمان توازن به‌هم خواهد خورد و باید احتمال وقوع هر نوع مخاطره امنیتی را داد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود، در این راستا متخصصان فنی کشور به کیفیت موشک‌ها، راهکارهای تقویت آن و تضعیف یا مقابله با طرح‌های تحقیقاتی پنتاگون در راستای انهدام موشک‌ها در فضا توجه فراوانی داشته باشند.

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱. امینیان، بهادر (۱۳۹۷)، «مسائل نظامی و استراتژیک معاصر»، تهران: سمت.
۲. «استراتژی آمریکا در غرب آسیا: سردرگمی در دوران گذار». بازیابی شده از: <http://www.cicir.ac.an.cn/new/opinion.htm?id=22163311-1639-48ca-8064-4edfffa4d10>.
۳. پلینو، جک و روی آلتون (۱۳۸۹)، «فرهنگ روابط بین الملل»، ترجمه حسن پستا، تهران: فرهنگ معاصر.
۴. پورآخوندی، نادر (۱۳۹۲)، «راهبرد توسعه موشکی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه دفاع مقدس، سال دوم، شماره ۸.
۵. دوژرتی، جیمز و فالتز گراف (۱۳۹۱)، «نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل»، ترجمه علی رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
۶. «راهنمای قدرت نظامی آمریکا». بازیابی شده از: <http://www.global security.org/ USA Military Guide/6542=98743-54763-10>.
۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵)، «کلیات روابط بین الملل»، تهران: مخاطب.
۸. متقی، ابراهیم و خسروشاهین، هادی (۱۳۹۵)، «راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا»، اولین کنفرانس امنیتی تهران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۹. مورگنتا، هانس جی (۱۳۹۳)، «سیاست میان ملت‌ها»، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.

منابع انگلیسی:

10. Cordesman, A. H. (2016). "The Changing Security Structure in the Middle East". Washington: Center for Strategic and International Studies, Retrieved May 20, 2019, from <http://www.csis.org>.
11. Cordesman, A. H. (2001). "Iraq's military capabilities: Fighting a wounded, but dangerous, poisonous snake". Washington: Center for Strategic and International Studies. Retrieved May 18, 2019, from <http://www.iraqwatch.org/perspectives/csis-iraq-mclip-120301.pdf>.
12. Elleman, Michael. (2020). "The IRGC gets into the space-lunch business". London: The International Institute for Strategic Studies.
13. Einhorn, Robert & Vann H. Van Diepen. (2019). "Constraining Iran's Missile Capabilities". Washington, Dc: Brooking Institution Press.
14. Eisenstaedt, M. (2001). "Russia arms and technology transfers to Iran: Policy Challenges for the United States". Arm Control Association, Retrieved March 13, 2019, from <http://www.armscontrol.org/act/2001-3>.
15. International Institute for Strategic Studies (2017). "Gulf Security After 2020". London: International Institute for Strategic Studies, Retrieved <https://cdn.Mashreghnews.ir/d/2020/12/27/0/ 2150702.pdf>
16. "Gulf Security After 2020". (2017). London: International Institute for Strategic Studies, Retrieved <https://cdn.Mashreghnews.ir/d/2020/12/27/0/ 2150702.pdf>.

17. Hoyt, T. D. (2007). "Military industry and regional defense policy: India, Iraq and Israel". New York: Routledge.
18. Kegley, Charles W. and Eugene R. Wittkopf. (2005). "World Politics: Trends and Transformation", published by Wadsworth Publishing.
19. "National Security Strategy Archive". (1998, October 1). National Security Strategy 1998. Retrieved from <http://nssarchive.us/national-securitystrategy>.
20. "National Security Strategy Archive". (1998, October 1). National Security Strategy 1988. Retrieved from <http://nssarchive.us/national-securitystrategy>.
21. Nolan, J. E. (1991). "Trappings of power: Ballistic missiles in the third world". Washington, DC: The Brookings Institution.
22. Otterman, S. (2003). "IRAQ: Iraq's prewar military capabilities". Council on Foreign Relations. Retrieved from <http://www.cfr.org/iraq/iraq-iraqs-prewar-military-capabilities/p7695>.
23. "Shahab-1 (Scud-B Variant)," Center for Strategic and International Studies, February 25, 2019, <https://missilethreat.csis.org/missile/shahab-1/>.
24. "Security and Defense Cooperation Agreement between the Islamic Republic of Afghanistan and the United States of America". (2014). Retrieved, from <http://justsecurity.org/wpcontent/>.